

## بررسی حسن تعابیر برگزیده نهج البلاغه بر اساس سطح دوم مدل گارسس (مطالعه موردی: ترجمه فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان، مکارم شیرازی) خدیجه احمدی بیغش<sup>۱</sup> محسن قمرزاده<sup>۲</sup>

### چکیده

ارزیابی ترجمه یکی از روش های نقد است که به منظور تشخیص سطح کیفی متون ترجمه به کار گرفته می شود. این پژوهش بر آن است تا با شیوه توصیفی، تحلیلی و تطبیقی آشکار سازد ترجمه های منتخب فارسی از حسن تعابیر نهج البلاغه با استفاده از سطح دوم الگوی ارزیابی ترجمه کارمن گارسس - سطح نحوی واژه شناختی - چگونه ارایه شده است. ارزیابی ترجمه این تعابیر در شش ترجمه معروف از ترجمه های تحت اللفظی و تفصیلی فارسی، یعنی فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان و مکارم شیرازی به ویژه در کاربرد نمونه های دال بر نقصان عقل، بخل و غضب، حاکی از آن است که تفاوت های فرهنگی موجود بین دو زبان فارسی و عربی، معادل یابی در سطح واژگانی و دستوری از مهم ترین چالش های این حوزه بوده و در ترجمه تحت اللفظی، بلاغت ساختار این تعابیر سلب می شود و با تکیه بر این نوع ترجمه، معنای مورد نظر امیر المؤمنین علی علیه السلام پنهان مانده است و مشابهت های لفظی به زبان فارسی را محدود و کفایت و مقبولیت را کاهش می دهد. نویسندگان می کوشند در بررسی و سنجش و نقد این ترجمه ها دیدگاه پیشنهادی خود را در معرض داوری مخاطبان قرار دهند.

**واژگان کلیدی:** نهج البلاغه، تعابیر برگزیده، ترجمه، مدل گارسس، سطح دوم.

۱- استاد یار گروه قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول kh.ahmadi@modares.ac.ir

۲- استادیار گروه فقه قرآن و حدیث مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام ghamarzadehm@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

## مقدمه

شیوه های نقد، ارزیابی ترجمه در سطوح مختلف؛ از جمله تشخیص سطح کیفی متون ترجمه شده کاربردهایی بسیار خوب دارد. حسن تعبیر نهج البلاغه با میانه روی در به کار بردن معانی ناخوشایند موجب شناخت این تعبیر و نفوذ آنان در بافت این کتاب ارزشمند شده است. مشکلات ترجمه این تعبیر به زبان های مختلف از جمله فارسی، لزوم آگاهی مترجمان از روش معنا شناسی گفتمان نهج البلاغه، ابزارهای ترجمه، رعایت در معادل یابی تعبیر را می طلبد. اصطلاح حسن تعبیرهای برگزیده نهج البلاغه یا نیک واژه، تعبیری است که از مجموع کلمات دارای معنای خاص ایجاد می شوند. تلطیف هم به معنای به کارگیری کلمه یا عبارتی که به عنوان نقاب یا سرپوش برای پوشاندن مفاهیم دردآور، زشت و ناخوشایند به کار می رود. به همین دلیل اصطلاح مرکب آمده تا اشاره به روش زبانی و بیانی خاص داشته باشد. حسن تعبیر اصطلاحی، میان زبان شناسان متداول گشت تا ابزار زبانی برای آنچه در جامعه زشت و ممنوع جلوه می کند، مانند نقصان عقل، غضب، بخل، و جز آن ها، به صورت غیرصریح و مقبول، تعبیر شوند. تعبیر تلطیف در زبان شناسی در فرآیند ایجاد ارتباط، ابزاری مثبت و مفید است؛ چرا که موانع را از سر راه ارتباط ایده آل رفع می کند و موجب ارتقای سطح گفتگو می شود و از مرز صراحت عبور می نماید و به تلویح و اشاره می رسد. همچنین ابعاد هنری را از طریق ساختارهای بلاغی هم چون کنایه، استعاره و تشبیه به وجود می آورد. نهج البلاغه، به عنوان کتابی که در اوج فصاحت و بلاغت است، پیوندی محکم با گفتمان حسن تعبیر یا تلطیف دارد. مدل ارزیابی ترجمه خانم کارمن والر و گارسس<sup>۱</sup> از مدل های مختلف ارزیابی ترجمه ها محسوب می شود که ما را در بررسی سطح کیفی ترجمه ها یاری می دهد. گارسس در سال ۱۹۹۴ میلادی، الگوی پیشنهادی خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه کرد. وی متولد ۱۹۵۸ میلادی در اسپانیا، استاد تمام دانشگاه آلکالا<sup>۲</sup> در شهر مادرید بود. گارسس در الگوی خود به نظریات زبان شناسان و نظریه پردازان ترجمه، هم چون پیتر نیومارک نظر داشته است. گارسس برای مقایسه شباهت های بین متن مبدأ و متن مقصد چهار سطح: معنایی- لغوی، دستوری- واژه شناختی، گفتمانی- کارکردی، سبکی- عملی، پیشنهاد می کند که به گفته خود او، گاهی این سطوح با هم تداخل دارند (Garces, 1994: 79).

## ۱. ادبیات نظری پژوهش

### ۱-۱. پیشینه پژوهش

در ارتباط با نقد ترجمه متون از عربی به فارسی، کتاب ها، مقالات، پایان نامه ها، رساله های فراوان تألیف شده است. در ادامه به برخی تحقیقات و کتب که به موضوع پژوهش حاضر نزدیک هستند، اشاره می شود. در زمینه پژوهش هایی که با الگوهای نقد ترجمه متون، به رشته تحریر درآمده، می توان به این موارد اشاره کرد:

1. Carmen Valero Garces
2. University of Alcalá

- ۱- حجت الله فسنگری و راضیه کارآمد، مقاله «سبک شناسی لایه واژگانی دعای ابوحمزه ثمالی»، (۱۳۹۵)، مجله سراج منیر، شماره ۲۵، صص ۵۳-۷۲. این مقاله معنای واژگان و ذکر تفاوت آن‌ها با واژه‌های مشابه را در دعای ابوحمزه ثمالی مورد بررسی قرار داده است.
- ۲- دکتر یحیی معروف، کتاب «فن ترجمه، اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی»، ۱۳۹۷، تهران، انتشارات سمت، نویسنده در این کتاب روش‌های مناسب برای معادل‌یابی واژگان را به کار برده است.
- ۳- عدنان طهماسبی و علاء نقی زاده، کتاب «ورشة التعریب»، ۱۳۹۶، تهران، سمت، پرداختن تخصصی به موضوع ترجمه متون از فارسی به عربی محور کار این کتاب به شمار می‌آید.
- هم‌چنین در زمینه مدل نقد ترجمه کارمن گارسس هم تحقیقاتی انجام گرفته است که برخی از آن‌ها یادآوری می‌گردد:
- ۴- ابراهیم بدخشان و سجاد موسوی، مقاله «بررسی زبان شناختی به گویی در زبان فارسی»، ۱۳۹۳، دوره ۵ شماره ۱، صص ۱-۲۶، این جستار در زمینه تلطیف در زبان شناسی به شیوه‌های ساخت تلطیف و طبقه‌بندی آن‌ها در زبان فارسی پرداخته است.
- ۵- محمد رحیمی خویگانی، مقاله «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس»، ۱۳۹۶، مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۷، صص ۶۹-۹۴، نویسنده در این مقاله، واژگان ترجمه گرمارودی از قرآن کریم را از منظر مؤلفه‌های نظریه گارسس بررسی کرده است.
- ۶- مسعود اقبالی و همکاران، مقاله «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس»، ۱۳۹۷، مجله پژوهش‌های زبان شناختی قرآن، دوره ۲، شماره ۱۴، صص ۱۵۴-۱۹۱، نویسندگان با استناد به مؤلفه‌های نظریه کارمن گارسس در سطح صرفی نحوی دو ترجمه ذکر شده را بررسی و نقد نموده‌اند.
- ۷- عسگر بابازاده اقدم و همکاران، مقاله «تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی براساس مدل کارمن گارسس: مطالعه موردی ترجمه‌های حداد عادل، معزی و انصاریان جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم»، ۱۳۹۸، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۹، شماره ۲۱، صص ۲۷۹-۳۰۶، جستار حاضر ترجمه‌های مذکور از قرآن کریم را بر اساس سطح واژگانی دستوری مدل گارسس مورد بررسی قرار داده است.
- ۸- شهریار نیازی و انسیه سادات هاشمی، مقاله «بررسی میزان کارآمدی سطح نحوی-واژه ساختی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن مطالعه موردی ترجمه مکارم شیرازی ۵ سوره از قرآن کریم»، ۱۳۹۸، مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۹، شماره ۲۱، صص ۹۵-۱۲۸، این مقاله به بررسی کارآمدی

الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن می‌پردازد و از میان چهار سطح الگوی گارسس سطح نحوی\_واژه ساختی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.

۹- لیلا بیاتی، «بررسی ساختاری حسن تعبیر در فارسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، انواع فرایندهای زبانی را که در ساحت حسن تعبیر در فارسی دخیل هستند، بررسی کرده است.

۱۰- قاسم نورآبادی، «تحلیل زبانشناختی فرایند حسن تعبیر فارسی و جایگاه آن در مواد آموزشی زبان فارسی برای غیر فارسی زبانان»، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب، دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۰، در قالب آموزش برای غیر فارسی زبانان راهکارهایی را ارائه نموده است.

با توجه به آنچه گذشت، در حوزه ارزشیابی کیفی ترجمه، آن هم در حوزه ترجم کلمات نهج البلاغه و بر اساس مدل گارسس، تالیف و پژوهشی مستقل انجام نگرفته است؛ لذا در این پژوهش برخی از ترجمه‌های تحت اللفظی و تلویحی فارسی از حسن تعبیر برگزیده نهج البلاغه را بر اساس سطح دوم نظریه گارسس ارزیابی می‌کنیم.

### ۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- الگوی ارزیابی ترجمه کارمن گارسس چگونه قابل تبیین است؟
- ۲- ترجمه برخی از حسن تعبیر برگزیده نهج البلاغه بر اساس سطح دوم نظریه گارسس در ترجمه‌های فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان و مکارم شیرازی، چگونه قابل نقد و ارزیابی است؟

### ۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- از جدیدترین مدل‌های سطح بندی شده ارزیابی ترجمه متون ادبی، الگوی ارزیابی ترجمه خانم کارمن گارسس است که در چهار سطح (واژگانی، دستوری، گفتمانی و سبکی) پی افکنده و موجب مقبولیت ترجمه متن ادبی می‌گردد.
- ۲- ارزیابی و نقد برخی از ترجمه‌های معروف تحت اللفظی و تلویحی نهج البلاغه به زبان فارسی، شامل ترجمه‌های فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان و مکارم شیرازی، در سطح دستوری واژه شناختی الگوی گارسس می‌تواند مهم‌ترین لغزشگاه‌های این مترجمان را در ترجمه‌های فارسی حسن تعبیر برگزیده نهج البلاغه آشکار سازد.

## ۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

پرداختن به دو یا چند زبان متفاوت، فرآیندی است که مترجم با آن سر و کار دارد. از این رو می‌بایست سطوح مختلف زبانی، از خرد تا کلان، توسط او مورد مطالعه و مقایسه قرار گیرد سپس با کنکاش و تحلیل در متن مبدأ، ترکیبی نو را در متن مقصد ارایه نماید. اهمیت شیوه انتقال از زبان مبدأ به زبان مقصد، موجب اخذ فنون و راهبردهای ترجمه خواهد شد. معادل‌یابی، مهم‌ترین مرحله درک صحیح از مفهوم متن است؛ چرا که ممکن است فهم اشتباه از مطلب، معنای متن را به طور کلی تغییر دهد. به همین جهت، مترجم ابتدا باید بر مبنای فهم صحیح نسبت به واژگان و عبارات متن، معادل‌یابی درستی انجام دهد، آن‌گاه مراحل بعدی ترجمه را پیش برد. از جمله این نظریات، الگوی ارزیابی ترجمه خانم کارمن گارسس است که یکی از بهترین و جدیدترین مدل‌های سطح بندی شده ارزیابی ترجمه متون ادبی به شمار می‌رود و در چهار سطح (واژگانی، دستوری، گفتمانی و سبکی) طراحی گردیده، کفایت و مقبولیت ترجمه متن را امری مهم قلمداد می‌کند. در این پژوهش برآن هستیم تا با بهره‌مندی از سطح دوم الگوی گارسس - سطح دستوری واژه‌شناختی - شش ترجمه از ترجمه‌های معروف تحت اللفظی و تلویحی به زبان فارسی (فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان و مکارم شیرازی) را مورد ارزیابی قرار دهیم تا مهم‌ترین لغزشگاه‌های این مترجمان از نظر سطح دستوری واژه‌شناختی، در ترجمه حسن تعابیر برگزیده نهج البلاغه به زبان فارسی آشکار گردد و از این طریق روشی مناسب برای حل چالش‌های موجود در سطح واژگانی به هنگام ترجمه از متون عربی به فارسی را ارایه دهیم.

## ۵-۱. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و مطالعه کتابخانه‌ای با حسن تعابیر برگزیده نهج البلاغه را بر اساس سطح دوم الگوی گارسس - سطح دستوری واژه‌شناختی - در شش ترجمه از ترجمه‌های معروف تحت اللفظی و تلویحی به زبان فارسی (فیض الاسلام، شهیدی، دشتی، جعفری، انصاریان و مکارم شیرازی) ارزیابی کرده و با مطالعه لایه‌های گوناگون و ارایه مستندات بلاغی به ویژه شیوه بیانی استعاره میزان توانمندی این ترجمه‌ها را ضمن تطبیق با سطح دوم این نظریه در ترازوی سنجه دو رویکرد لغوی و زبان‌شناسی در معرض داوری و نقد قرار داده است.

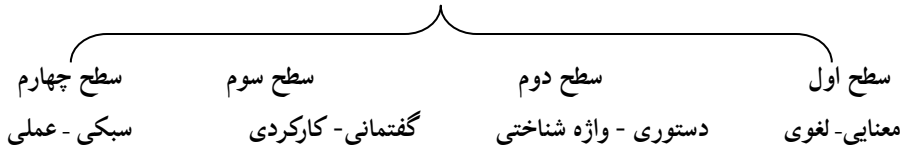
## ۲. مفاهیم و اصطلاحات بنیادی و کاربردی

۱-۲. ترجمه: نظریه پردازان علم ترجمه در تعریف کلمه "ترجمه" به معنای نقل افکار از زبان مبدأ به زبان مقصد، اتفاق نظر دارند. مترجم باید تمام جوانب زبان مبدأ را کامل دریابد، بعد از آن با معادل‌یابی مناسب به

زبان مقصد<sup>۱</sup> منتقل کند، بنابراین ترجمه فرآیندی پیچیده است که بین دو زبان مختلف، ارتباط برقرار می‌کند. چون این دو زبان مسلماً به دو فرهنگ مختلف در همه عناصر فرهنگی، مثل بخش اعظم فرهنگی، محیطی، اجتماعی، دینی، سیاسی، ادبی نسبت داده می‌شوند و این همان اختلافی است که در ساختار لغوی هر دو زبان از نظر فهم و نتیجه بازتاب دارد. (رحیل، ۱۹۹۹: ۳۰۱-۳۰۷؛ ذاکر، ۱۹۹۹: ۴۲؛ البانی، ۱۹۹۲: ۱/ ۲۷) کارترجمه از عربی به زبان های مختلف، از جمله فارسی، مشکلات و سختی هایی را به همراه دارد که ابتدا در سطح زبانی صرفی، نحوی و واژگانی بروز می‌کند.

۲-۲. الگوی ارزیابی ترجمه "گارسس": گارسس برای مقایسه شباهت های بین متن مبدأ و متن مقصد چهار سطح پیشنهاد می‌کند، (Garcés, 1994: 79) که از این قرار می‌باشند: سطح اول معنایی- لغوی، سطح دوم دستوری - واژه شناختی، سطح سوم گفتمانی- کارکردی، سطح چهارم سبکی - عملی.

#### مدل ارزیابی گارسس



سطح دوم این نظریه دربرگیرنده ترجمه تحت اللفظی، تغییر نحوی و دستوری، تلویح، توضیح یا بسط معنی است. (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲؛ فرهادی، ۱۳۹۲: ۱۶۶) از آن جا که در این تحقیق سطح دوم این نظریه و شیوه تحت اللفظی و تلویحی آن بررسی گشته است، این گونه تبیین می‌شوند:

الف) ترجمه تحت اللفظی<sup>۱</sup>: این شیوه، ترجمه واژه به واژه و عبارت به عبارت را ممکن و مطلوب می‌داند. (Newmark, 1989: 68). گارسس فرا تر رفتن ترجمه تحت اللفظی از حد واژه را عامل پیچیده تر شده ترجمه می‌داند. (Garcés, 1994: 81) ایشان معتقد است وقتی ترجمه تحت اللفظی به علت اختلاف فرهنگ مسئله‌ساز شود باید از آن پرهیز کرد. (همان)

ب) دگربینی یا تلویح<sup>۲</sup>: به معنای «تغییر اختلاف طرز تلقی، بیش تر طرز تفکر» به کار می‌رود (همان، ۸۸). در این شیوه «زبان مقصد، ترجمه تحت اللفظی را بر نمی‌تابد» (همان) در جایی که مترجم مختار بین کاربرد یا عدم کاربرد دگربینی باشد، صرفاً باید در مواردی که عدم استفاده از آن غیر طبیعی جلوه نماید، به آن روی آورد. دگربینی ها نیز شامل علایق گوناگون مجاز لفظی از جمله کل به جزء، جزء به کل، حال به محل، ظرف به

1. Literal Translation
2. Literal Translation
3. Modulation

مظروف، خصوص به عموم، عموم به خصوص، مسبب به سبب، کان و مایکون، لازم و ملزوم و به ویژه دو شیوه بیانی استعاره و کنایه می‌گردد.

به طور کلی باید گفت در الگوی کارمن گارسس، ارزیابی ترجمه‌ها در دو معیار کفایت و مقبولیت بررسی می‌شود. این دو معیار، شرایط لازم را برای ارایه ترجمه‌ای مناسب به جهت انطباق مؤلفه‌های معنایی، عناصر دستوری دو زبان مبدأ و مقصد، درجه دقت مترجم در رساندن پیام مدنظر، مقبولیت متن ترجمه شده در سیستم زبانی مقصد و میزان پذیرش خوانندگان متن مقصد فراهم می‌سازد. (تجلی، ۱۳۶۸: ۱۰۵؛ Garcés, 1994: 81) در ادامه این پژوهش ترجمه برخی از حسن تعابیر نهج البلاغه را بر اساس ویژگی تحت اللفظی و تلویحی سطح دوم نظریه گارسس در چهار ترجمه رایج تحت اللفظی و تلویحی فارسی، ارزیابی می‌شود تا حسن تعابیر این کتاب گران سنگ هرچه بیش‌تر آشکار و کیفیت ترجمه‌ها ارتقا یابد.

### ۳. ترجمه حسن تعابیر نهج البلاغه

متون مختلف به دلیل کارکرد بیانی خود دارای سبک تعابیری است که بار معنایی ساختار ترکیبی، استعاره، مشابهت‌های زبانی میان واژگان نامأنوس، دقت در ترجمه به سبک فرهنگی، دینی و آداب و رسوم زبان مبدأ را بر دوش می‌کشند. این سبک‌ها مترجم را وادار به گزینش روشی مناسب در معادل‌سازی در ترجمه به دور از مسامحه و اهمال کاری می‌کنند تا ترجمه را به متن اصلی نزدیک گردانند.<sup>۱</sup> (Ilyas, 1998: 14؛ حایک، ۱۹۹۹: ۱۰)

نهج البلاغه که حاوی سخنان گرانقدر امام علی علیه السلام است، متنی موثق و مقدس است که به قله‌های فصاحت و بلاغت در عربی دست یافته و مضامینی الهی را بیان داشته است. بسیاری از مترجمان با توجه به رسالت این کتاب و نیاز شدید بشر به جهانی شدن و رغبت زیاد مسلمانان و غیر مسلمانان - اعم از عرب زبان و غیر عرب زبان - برای فهم آن عهده دار ترجمه نهج البلاغه به زبان‌های مختلف شدند. ترجمه نهج البلاغه به زبان‌های دیگر از فهم بلاغت و مضامین والای آن می‌کاهد و زیبایی و جمالش را از دست می‌دهد. به طوری که آهنگ موسیقی و موزون بودن آن را که چیزی بالاتر از آن نیست از میان می‌برد. به همین دلیل دانشمندان معتقد هستند مترجم متونی مانند نهج البلاغه، افزون بر حفظ بی‌طرفی در ترجمه، باید غرض و رزانه معنایی را آشکار یا پنهان نسازد و بلاغت، صرف، نحو و اسلوب‌های بیانی را نیز رعایت کند و فهمی عمیق از علوم قرآن و تفسیر، و فرهنگ اصیل اسلامی و جز آن‌ها داشته باشد تا بتواند ترجمه نهج البلاغه را با توجه به معیارهای صحیح اسلامی تطابق دهد و ترجمه‌ای مطلوب ارایه نماید.

با توجه به آنچه گذشت، ترجمه حسن تعابیر برگزیده نهج البلاغه فقط منوط به شناخت زبان و فرهنگ صرف نیست، بلکه مترجم باید فردی باشد که علوم دینی را بفهمد و درک اسلامی و احکام شرعی را نیز رعایت

کند. نهج البلاغه مانند قرآن کریم مملو از حسن تعابیر واژگان در سبک های متنوع هم چون (حایک، ۱۹۹۹: ۲۲) تعابیری برای مرگ (انعام/۲؛ قیامت/ ۲۸)، الفاظ کنایی برای پوشاندن رابطه زوجیت و حفظ حریم شخصی (بقره/۲۲۳؛ اعراف/۱۸۹؛ بقره/۲۲۲؛ آل عمران/۱۲۱)، اجتناب از صریح گفتن در مورد روابط جنسی (مائده/۵؛ یوسف/۲۴؛ نساء/۱۵؛ عنکبوت/۲۹؛ نمل/۵۴؛ شعراء/۱۶۵)، تعابیری دال بر فعالیت های انسانی، اعضای جنسی (مائده/۶؛ اعراف/۲۰ و ۲۲؛ مؤمنون/۱۳)، ناراحتی و حسرت و پشیمانی (آل عمران/۱۰۶)، احساس ناراحتی و تنگی سینه (شعراء/ ۱۳)، احساس ترس شدید (احزاب/۱۰؛ زمر/۲۳)، احساس خشم (آل عمران/۱۱۹)، بی رحمی و سنگدلی (آل عمران/۱۵۹؛ هود/۵۶) و ... می باشد. افزون بر آنچه گفته شد در سبک و سیاق نهج البلاغه همانند قرآن، مجموعه ای از تعابیر وجود دارد که بر صفاتی ناپسند و مذموم چون کبر، بخل، دروغ، کینه، نفاق، ضعف و شکست دلالت می کند (حج/۹؛ نساء/۵۳؛ آل عمران/۷۸؛ احزاب/۱۵) و خداوند این تعابیر را به بهترین شکل در کتاب خود بیان می نماید. (ابن سیده، ۱۹۷۸، ۲/ ۲۰۳؛ ابو زلال، ۲۰۰۶: ۱۸۵-۱۸۶)

#### ۴. نقد ترجمه برخی از حسن تعابیر نهج البلاغه بر اساس سطح دوم نظریه گارسس

صفات باطنی مذموم و ناپسند، مانند نقصان عقل، غضب، بخل، و جز آن‌ها، در نهج البلاغه دارای تعابیر و معانی دقیقی هستند که برخی از این معانی بر اساس سطح دوم مدل گارسس (تحت اللفظی و تلویحی) شامل این موارد می‌گردند:

#### ۴-۱. تعابیر دال بر نقصان عقل

عقل یا عقلال، ریسمانی است که زانوی شتر سرکش را با آن می بندند. عقل نیز، به دلیل آن‌که نیروی باطنی و خواسته های شیطانی درون انسان را به بند می کشد، عقل نامیده شده است. واژه عقل و مشتقات آن در لغت به معنای امساک و نگاهداری، باز ایستادن و منع چیزی، فهمیدن، دریافت کردن نیز آمده است. (ابن منظور، بی تا: ۳ / ۱۲۳) قرآن واژه عقل را در معنای فهم و ادراک به کار برده است. در روایات نیز به معانی مختلف آن اشاره شده، یکی از آن معانی، قوه تشخیص، ادراک و وادار کننده انسان به خیر، و صلاح، و مانع از شر و فساد است. (کلینی، ۱۴۱۰ق: ۱ / ۱۱)

عقل در اصطلاح، نیرو و قوه ای است که انسان را در یافتن واقعیت یاری می رساند. علاوه بر دریافت حقایق، باز دارنده نفس از شر و فساد و شرافت دهنده او است. (راغب اصفهانی، بی تا: ۱۷۱ - ۱۷۲)، به عنوان مثال به دو نمونه از کلام حضرت علی علیه السلام در این زمینه اشاره می شود:



#### ۴-۱. ارزیابی ترجمه تعابیر نهج البلاغه از نقصان عقل

الف- «أَنْتُمْ مَعَاشِرُ أَخْفَاءِ الْهَامِ، سَفَهَاءُ الْأَخْلَامِ» (خطبه/۳۶)

«هَام» جمع «هامة» به معنای سر انسان یا سایر موجودات ذی روح است. أَخْفَاءُ، جمع خفیف است (ابن منظور، بی تا: ۲۰۱/۴). ترکیب «اخفاء الهام» تعبیری استعاری از نقصان عقل و به معنای «نادان، سفیه، سبک مغز، بی خرد» بیان شده است. (همان)

فیض الاسلام: «و شما (دیروز که حکومت حکمین را واجب دانسته امروز آنرا کفر می‌پندارید، پس) گروهی سبک سر و سفیه و بی بردبار هستتید (زیرا در گفتار و کردار ثابت قدم نبوده از روی خردمندی)» (۱۳۶۵: ۳۰۷)

شهیدی: «شما ای سبکسران، ای بیخردان نادان، ای ناکسان!» (۱۳۷۰: ۱۰۹)

دشتی: «شما ای بی خردان، ای ناکسان و بی پدران» (۱۳۷۹: ۹۱)

جعفری: «شما مردمی سبک مغز، و غوطه ور در رؤیاهای احمقانه اید» (۱۳۸۰: ۱۱۹)

انصاریان: «شما مردمی سبکسر و غرق در خیالات احمقانه هستتید.» (۱۳۸۸: ۸۷)

مکارم شیرازی: «شما گروهی سبک سر هستتید و کوتاه فکر.» (۱۳۹۸: ۹۸)

با بررسی حسن تعابیر بر اساس سطح دوم مدل ارزیابی گارسس باید گفت تنها دشتی «أَخْفَاءُ» را به بی خردان - معنای استعاری نقصان عقل - ترجمه کرده است، اما فیض الاسلام و شهیدی و جعفری و مکارم شیرازی توانسته اند ضمن اشاره به تعبیر تحت الفظی سبکسر با عباراتی چون بی خرد، کوتاه فکر و سبک مغز به گونه ای به تعبیر استعاری اشاره نمایند و حسن تعبیر نهج البلاغه به شکلی در این عبارت محقق شده است؛ اما انصاریان با معادل سبکسر تنها توانسته معنای تحت اللفظی را به مخاطب منتقل سازد.

ب- «نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَالِ، وَ بِهِ نَسْتَعِينُ» (خطبه/ ۲۱۵)

سُبَاتِ الْعَقْلِ تعبیری استعاری از نقصان عقل و به معنای «غفلت و ناآگاهی از مصالح و مفاسد امور» است.

(ابن منظور، بی تا: ۳ / ۲۰۹)

فیض الاسلام: «بخدا پناه می بریم از خواب عقل (و بی خبر ماندن او از درک مفاسد و تباهکاری های دنیا) و از زشتی لغزش (و گمراهی) و (در جمیع حالات) تنها از او یاری می جوئیم.» (۱۳۶۵: ۷۱۵)

شهیدی: «پناه می بریم به خدا از خفتن عقل و زشتی لغزش و تنها از او یاری می خواهیم» (۱۳۷۰: ۲۰۱)

دشتی: «به خدا پناه می بریم از خفتن عقل و زشتی لغزش ها، و از او یاری می جوئیم.» (۱۳۷۹: ۲۱۰)

جعفری: «پناه می بریم به خدا از به خواب رفتن عقل و زشتی لغزش ها، و همواره یاری از او می طلبیم.»

(۱۳۸۰: ۲۸۹)

انصاریان: «از خواب عقل، و زشتی لغزش به خدا پناه می‌بریم» (۱۳۸۸: ۲۰۵)  
 مکارم شیرازی: «به خدا پناه می‌بریم از خواب رفتن عقل و لغزش‌های قبیح و زشت و در این راه از او یاری  
 می‌طلبیم.» (۱۳۹۸: ۲۵۱)

همان‌گونه که مشاهده می‌شود بر اساس سطح دوم مدل ارزیابی گارسس، جعفری، شهیدی، دشتی، مکارم شیرازی و انصاریان از این فراز، ترجمه تحت‌اللفظی ارایه داده‌اند، اما فیض‌الاسلام با بیان توضیحی در دو کمان تلاش نموده بیانی واضح از تعبیری استعاره غفلت را که لازمه آن ناآگاهی از مصالح و مفاسد امور است (و از مصداق نقصان عقل هستند) ارایه نماید، اما هم‌چنان این ترجمه‌ها نتوانسته‌اند معادلی مناسب برای بیان حسن تعبیری دال بر تلویح برگزیده از این واژه باشند تا درخشش و تابندگی این کلمه را که بیانگر معنای تلویحی و استعاره از نقصان عقل است، مشخص سازند.

#### ۴-۲. تعابیر دال بر بخل

بخل به معنای مانع شدن، امساک ورزیدن، و بخشیدن هنگام نیاز دیگران است. بخیل به کسی گویند که از مال خود انفاق نکند (مصطفی، ۱۳۸۷: ۱۲۳؛ جرجانی، ۱۹۸۳: ۴۲)  
 در قرآن کریم نیز الفاظی بر بخل دلالت دارد. "الْعُلُّ": مفرد اغلال، یعنی برگردنش زنجیری از آهن است: (وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ) (إسراء/ ۲۹)، طبق سیاق قرآنی، بسته شده به گردن، تعبیری مجازی از بخل است، یعنی دستت را در انفاق خوبی و بخشش باز مگیر، همانند کسی که دستش بسته می‌باشد و نمی‌تواند آن را به سوی خوبی ببرد. (جرجانی، ۱۹۸۳: ۴۲؛ عسکری، ۱۹۹۸: ۱۷۶) یا آیه: (يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ) (مائدة/ ۶۴)، یعنی دستش در دادن روزی بسته و جلوی نعمت آن‌ها گرفته شده است. و با این تعبیر به خداوند نسبت بخل دادند. (مصطفی، ۱۳۸۷: ۷۸؛ جوهری، ۱۹۵۶: ۱۰۹) (وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ) (توبه/ ۶۷)، یعنی دستش را مشت کرد و از انفاق در راه خیر باز داشت. طبق سیاق قرآنی، تعبیر مجازی از بخل، ترک انفاق در راه خدا، و خودداری از جهاد است. در تعابیر نهج البلاغه هم بیان کلماتی که دلالت بر بخل در فرهنگ و محیط زندگی عربی دارد، دیده می‌شود که در معنای خود با بخشش یا عدم بخشش مرتبط است که در ذیل به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

#### ۴-۲-۱. ارزیابی ترجمه تعابیر نهج البلاغه دال بر بخل

دو تعبیر زیر گویای عباراتی است که دلالت بر بخل دارد:

الف- تعبیر مجازی به معنای بخیل و بخشنده نبودن با عبارت: «وَلَا تَكُنْ خَاِزِنًا لِّغَيْرِكَ» (نامه / ۳۱)، یعنی خزانه دار دیگران بودن، به این معنا که از هر خوبی و عطا خودداری ورزد و مال را خود فرد استفاده نماید و

بخشش نکند، بلکه آن را بدون هیچ تغییری تا پایان عمر خود نگه می‌دارد و این گونه سبب بهره‌مندی بازماندگان خود پس از مرگ می‌شود و در واقع خزانه دار دیگران می‌گردد.

ب- تعبیر مجازی از بخل با عبارت: «وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبَذْلِ» (نامه / ۳۱). به معنای عدم کمک به انسان‌های ستم‌دیده و محتاج است. اینان به خاطر طبیعت و فطرت ذلیلانه خود، از بخشش منع می‌کنند، یعنی خساست می‌ورزند. (شربجی، ۲۰۰۲: ۲ / ۳۱۴)

شایان یادآوری می‌باشد ساختار واژگانی در این تعابیر نهج البلاغه، از فرهنگ محیط و جغرافیای عربی گرفته شده است.

۴-۱-۲-۱. «وَاعْلَمُ أَنَّ الْإِعْجَابَ صِنْدُ الصَّوَابِ وَ آفَةُ الْأَلْتَابِ فَاسْعَ فِي كَدْحِكَ وَ لَا تَكُنْ خَازِنًا لِعَيْرِكَ» (نامه / ۳۱)

تعبیر مجازی: «وَ لَا تَكُنْ خَازِنًا لِعَيْرِكَ» به معنای بخیل و بخشنده نبودن است. فیض الاسلام: «و بدان گردنکشی و خود بینی ناروا و بر خلاف حق و آفت خردها است، پس در کسب معاش خویش تلاش کن و برای دیگری خزانه دار مباش (با آرز مال و دارائی گرد مکن و برای دیگران مگذار)» (۱۳۶۵: ۹۲۲)

شهیدی: «و بدان که خودپسندی آدمی را از راه راست بگرداند، و خردها را زیان رساند. پس سخت بکوش و گنجور دیگری مشو» (۱۳۷۰: ۴۰۱)

دشتی: «بدان که خود بزرگ بینی و غرور، مخالف راستی، و آفت عقل است، نهایت کوشش را در زندگی داشته باش، و در فکر ذخیره سازی برای دیگران مباش.» (۱۳۷۹: ۳۰۸)

جعفری: «و بدان خودپسندی ضد درستی و آفت عقول بشری است. در تکاپو (برای تحصیل سعادت خویشتن) کوشا باش و خزانه دار دیگران مباش.» (۱۳۸۰: ۳۴۵)

انصاریان: «آگاه باش که خودپسندی ضد صواب و آفت خردهاست. پس کوششت را به نهایت برسان و در امور مادی خزانه دار وارث مشو» (۱۳۸۸: ۲۹۸)

مکارم شیرازی: «(پسرم!) بدان که خودپسندی و غرور، ضد راستی و درست اندیشی و آفت عقل هاست، پس برای تأمین زندگی نهایت تلاش و کوششت را داشته باش (و از آن چه به دست می‌آوری در راه خدا انفاق کن و) انباردار دیگران مباش» (۱۳۹۸: ۳۷۵)

تحلیل و ارزیابی این ترجمه‌ها بر اساس سطح دوم الگوی گارسس گویای آن است که این مترجمان در این فراز، تعابیر را به صورت تحت اللفظی ترجمه کرده‌اند. خزانه دار محسوس بوده و نوعی فریب دادن است؛ و از آن تعبیر اصطلاحی و مجازی شخصی که بخیل با دستان بسته است، فهمیده می‌شود که به معنای عدم بهره

مندى و بخشش مال است. همان گونه که ملاحظه می شود جعفرى، دشتى و انصاریان به بیان تحت الفظى از این ترکیب بسنده نموده اند، اگرچه فیض الاسلام و مکارم شیرازى با پناه بردن به توضیح معنای این تعبیر داخل دو کمان، تعبیر خوبی را بیان کرده اند و از این رو، توانسته اند تعبیر مجازى و تلویحى سطح دوم گارسس به معنای ترک انفاق و بخشش را در این فراز از نامه ۳۱ نهج البلاغه به خوبى نمایان سازند.

۲-۱-۲-۴. «وَ عِنْدَ صُدُودِهِ عَلَى اللَّطْفِ وَ الْمُقَارَبَةِ وَ عِنْدَ جُمُودِهِ عَلَى الْبُذْلِ...» (نامه / ۳۱)

تعبیر: «جُمُودِهِ عَلَى الْبُذْلِ» تعبیری استعارى به معنای بخل و خساست و عدم بخشش است. فیض الاسلام: «و وادار خود را در باره برادر (همکیش و دوست) خود بر پیوستن هنگام جدائی او، و بر مهربانى و دوستى هنگام دورى او، و بر بخشش هنگام بخل و خوددارى او.» (۱۳۶۵: ۹۳۲)

شهیدی: «و چون روی برگرداند، مهربانى پیش آر، و چون بخل ورزد از بخشش دریغ مدار» (۱۳۷۰: ۲۷۶)

دشتى: «اگر روی برگرداند تو مهربانى کن، و چون بخل ورزد تو بخشنده باش» (۱۳۷۹: ۳۷۸)

جعفرى: «و نفس خود را به لطف و نزديكى و محبت با او وادار و در آن موقع که برای تو بخل بورزد، تو به او بذل و بخشش نما.» (۱۳۸۰: ۳۹۰)

انصاریان: «و وقت روی گردانى اش به لطف و قرابت، و برابر بخلش به عطا و بخشش» (۱۳۸۸: ۳۰۲)

مکارم شیرازى: «و در زمان قهر و دوریش به او نزدیک شو، در برابر بخلش، بذل و بخشش» (۱۳۹۸: ۳۰۴)

مترجمان با درک معنای استعارى عبارت: «جُمُودِهِ عَلَى الْبُذْلِ» برای بازگرداندن سبک تعبیر و گسترش معنای آن به گزینش واژه های مختلف پناه برده اند، مانند منع حاجات، خوددارى از کمک کردن، رد کردن مهربانى و کمک به هموع، که همگی به معنای بخل و خساست است.

بنابراین ملاحظه می شود مترجمان با توجه به سطح دوم مدل گارسس، معنای استعارى را بیان نموده و حسن تعبیر را تحقق بخشیده و ترجمه را از لحاظ نشانه های بلاغی گفتمان نهج البلاغه پر بار ساخته اند.

#### ۳-۴. تعابیر ۵ال بر غضب

غضب به معنای خشم گرفتن (دهخدا، بی تا: ۲۴۶ / ۳۳)، و خلاف خشنودى (ابن منظور، بی تا: ۱ / ۶۴۸) است. در اصطلاح، حالتى نفسانى که شامل غلبه و انتقام شده، حرکت شدیدی را در پی خواهد داشت. این حالت نفسانى درونی به قدری شدت دارد که می تواند نور عقل را پوشانده، اثر قوه عاقله را تضعیف نماید. به همین دلیل در فرد غضب کننده، موعظه و نصیحت تأثیر چندانی ندارد، بلکه پند و موعظه، غضب را زیاد می کند. (ابن منظور، بی تا: ۲۳۱ / ۳)

کلمه غضب، از کلمات پر بسامد در قرآن کریم است که در بیش تر موارد، مراد غضب و خشم الهی می باشد که شامل کافران و منافقان می شود. لازم به ذکر است غضب در مورد خداوند به معنای منع و خوددارى از

رحمت است، اما در مورد بندگان از حالات نفسانی محسوب می شود. هم چنین در برخی آیات، قرآن مؤمنان سفارش به کنترل خشم شده اند، و [خداوند] از ویژگی های بارز آنان، مانند عفو و بخشش در هنگام غضب: «وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ» (سوری/۳۷)، و صبر و تحمل در برابر حکم و قضای خداوند: «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ» (قلم/۴۸) نام برده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۰/ص ۴۵۹). و یا آیه: «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَ الْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران/۱۳۴) که فرو بردن خشم را از صفات نیکوکاران و پرهیزکاران شمرده شده است. (طبرسی، بی تا: ۴/۲۵۴)

#### ۴-۳-۱. ارزیابی ترجمه تعابیر دال بر غضب

۴-۳-۱-۱. «إِذْ لَمْ يَكُنْ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ»، وَ سَوْرَةَ حَدَّكَ، وَ سَطْوَةَ يَدِكَ وَ غَرْبَ لِسَانِكَ» (نامه/۵۳)

تعبیر استعاری: «إِذْ لَمْ يَكُنْ حَمِيَّةَ أَنْفِكَ» «به معنای مغرور و سرکش نباش و خویشتن داری پیشه کن» است که در فارسی با باد در بینی انداختن به عنوان یک ضرب المثل برای آن معادل سازی می گردد.

فیض الاسلام: «هنگام افروختگی خشم و تیزی سرکشی و حمله با دست و تندی و زشت گوئی زبانت بر خود مسلط باش» (۱۳۶۵: ۹۲۱)

شهیدی: «به هنگام خشم خویشتندار باش و تندی و سرکشی میار و دست قهر پیش مدار و تیزی زبانت بگذار.» (۱۳۷۰: ۳۸۵)

دشتی: «و فرو خوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفست در دست تو باشد.» (۱۳۷۹: ۳۵۶).

جعفری: «از هیجان و تندی برحذر باش و آن ها را مهار کن تا غضبت فرونشیند و اختیار خود را مالک شوی» (۱۳۸۰: ۳۶۰).

انصاریان: «خشم و شدت و غضب و سرکشی و قدرت و تیزی زبانت را در اختیار گیر» (۱۳۸۸: ۳۶۱).  
مکارم شیرازی: «به هنگام خشم خویشتن دار باش و از تندی و تیزی خود و قدرت دست و خشونت زبانت بکاه» (۱۳۹۸: ۲۴۸).

بر اساس سطح دوم مدل ارزیابی ترجمه گارسس آشکار می گردد که در این جا ترجمه تحت اللفظی بیان کننده معنای استعاری است؛ چرا که ترجمه راه خود را در بیان و دلالت ارائه داده و معنای مورد نظر در دسترس مخاطب قرار گرفته است. هر یک از مترجمان توانسته اند به گونه ای با واژگان و ترکیب های گوناگون معنای غضب را به شیوه ای بیان نمایند تا معنای استعاری و تلویحی آن که حکایت از احساس خشم، غضب و کینه به مخاطب و دوری از خویشتن داری و مغرور و سرکش بودن است، مغفول نماند.

۴-۳-۲. «و عَزَبَ لِسَانُكَ وَ اخْتَرِسَ مِنْ كُلِّ ذَلِكَ بِكَفِّ الْبَادِرَةِ وَ تَأْخِيرِ السَّطْوَةِ حَتَّى يَسْكُنَ غَضْبُكَ فَتَمْلِكَ الْاِخْتِيَارَ» (نامه / ۵۳)

تعبیر استعاری که از این جمله دریافت می‌گردد پرهیز از انجام کارهای شتاب زده و سخنان ناسنجیده است.

**فیض الاسلام:** «و [هنگام] زشت گوئی زبانت بر خود مسلط باش تا خشمت فرو نشیند که (در این هنگام) اختیار و اقتدار یافته بر خود مسلط می‌گردد و اختیار خود را بدست گیری» (۱۳۶۵: ۹۳۲)

**شهیدی:** «و تیزی زبان بگذار، و از این جمله خودداری کن، با سخن ناسنجیده بر زبان نیاوردن، و در قهر تأخیر کردن، تا خشمت آرام شود و عنان اختیار به دستت آید.» (۱۳۷۰: ۳۴۵)

**دشتی:** «تندی زبانت را در اختیار خود گیر، و با پرهیز از شتابزدگی، و فرو خوردن خشم، خود را آرامش ده تا خشم فرو نشیند و اختیار نفس در دست تو باشد.» (۱۳۷۹: ۳۴۳)

**جعفری:** «خودداری و مالکیت بر خویشتن را محکم نخواهی کرد، مگر این که با یادآوری روز برگشت به سوی پروردگارت خاطر خود را مشغول بداری.» (۱۳۸۰: ۴۰۲)

**انصاریان:** «و تیزی زبانت را در اختیار گیر، و از تمام این امور به باز داشتن خود از شتاب در انتقام، و تأخیر انداختن حمله و سطوت خود را حفظ کن، تا خشمت آرام گردد و عنان اختیارت را مالک شوی.» (۱۳۸۸: ۴۵۲)

**مکارم شیرازی:** «و خشونت زبانت بکاه و برای پرهیز از این امور از انجام کارهای شتاب زده و سخنان ناسنجیده و اقدام به مجازات، بر حذر باش تا خشم تو فرو نشیند و مالک خویشتن گردی.» (۱۳۹۸: ۳۸۲)

ارزیابی ترجمه های فوق بر اساس سطح دوم الگوی ارزیابی گارسس نشان می‌دهد فیض الاسلام و جعفری، به بیان ترجمه تحت اللفظی اکتفا کرده، اما شهیدی و دشتی و انصاریان با گزینش یک معادل، معنای تلویحی را به مخاطب القا نموده‌اند. از میان این مترجمان، مکارم شیرازی توانسته است با معادل یابی‌های مناسب معنای استعاری و تلویحی را بر اساس سطح دوم الگوی گارسس به خوبی تحقق بخشد.

## نتیجه گیری

این پژوهش یکی از مشکلات معنا شناسی تعابیر نهج البلاغه را، از عربی به فارسی، مورد بررسی قرار داده و به سختی های تحقق حسن تعابیر نهج البلاغه به صورت کلی و تعبیر های دال بر صفت های مذموم باطنی به صورت خاص بر اساس سطح دوم مدل کارمن گارسس پرداخته است.

سطح دوم این نظریه شامل ترجمه تحت الفظی، تغییر نحوی و دستوری، تلویح، و بسط معنا است. به این منظور واژگان و ترکیب های برگزیده از شش ترجمه نهج البلاغه بررسی شد تا سختی هایی را که مترجمان در تطبیق این عبارت با به کار گیری ابزار ترجمه، آگاهی نسبت به متن و میزان سازگاری ترجمه با فرهنگ زبانی فارسی و سبک و معنای تعابیر نهفته در متن نهج البلاغه متحمل شده اند، آشکار کند:

۱- سختی های نهفته در ترجمه حسن تعابیر نهج البلاغه بر اساس سطح دوم الگوی ارزیابی گارسس، عناصر زبانی، دستوری واژه شناختی زبان عربی و فارسی و عناصر غیر زبانی، مانند سبک فرهنگی به خصوص سبک دینی را بیان می دارد. علاوه بر سختی های نهفته در سطح اسلوب که مجازی بودن سبک تعابیر را نشان می دهد؛ اصولاً مرتبط با متون مستندی است که نمی توان سستی و کژی در آن به خرج داد و شرایطی خاص را از جمله بی طرفی و شناخت عمیق از علوم و شریعت برای مترجم اقتضا می نماید؛

۲- در نقد و ارزیابی ترجمه ها بر اساس نظریه گارسس مشخص شد، زمانی که مترجم بین ترجمه تلویحی و معنایی یا ترجمه تحت اللفظی قرار می گیرد، شیوه تحت اللفظی به دلیل نارسایی در انتقال تعابیر از عربی به فارسی، نمی تواند به عنوان شیوه مناسب برای انتقال بلاغت و فصاحت مورد نظر نهج البلاغه قرار گیرد، بنابراین ترجمه تحت اللفظی یک شاخص منفی برای فهم معنای اصطلاحی و کارکرد بلاغی نهج البلاغه به شمار می رود و فهم آن را در فارسی دچار مشکل می کند؛

۳- در مقایسه ترجمه های بیان شده آشکار شد که عدم پرداختن دقیق مترجمان به ترجمه حسن تعابیر نهج البلاغه بر اساس سطح دوم مدل گارسس در برخی موارد آنان را به ترجمه تحت اللفظی و دور شدن از مقصود اصلی و مقبول و مطلوب رهنمون گشته است و در برخی مواضع دیگر در انتقال تعابیر استعاری و مجازی به مخاطبان کامیاب گردیده اند.

### پی نوشت

۱- مثلاً تعبیر "حَامَ حَوْلَ الهی" یعنی دور فُرُق می چرخد، به معنای نزدیک شدن به گناه و امر ممنوع است، این تعبیر از سخن گهربار پیامبر اسلام ﷺ نشأت می گیرد که فرمودند: «هرکس اطراف فُرُق بچرخد، ممکن است در آن بیفتد» (بخاری، ۱۴۲۲ق: ۱ / ۱۹)؛ و یا تعبیر "دو رو" به معنی منافق و ریاکار که از حدیث شریف پیامبر ﷺ اخذ شده که فرمودند: «بدترین مردم کسی است که دو رو باشد.» (پابنده، ۱۳۲۴: ۳۴۱)



## منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی طالب، علی (۱۴۰۸ق)، نهج البلاغه، گرد آوری سید رضی محمد بن حسن، تصحیح صبحی صالح، قم: منشورات هجرت.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا)، لسان العرب، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. ابو زلال، عصام الدین عبد السلام (۲۰۰۶)، التعابیر الاصطلاحیة بین النظریة والتطبیق، قاهرة: دارالوفاء للطباعة والنشر.
۵. اقبالی، مسعود و ابراهیم نامداری (۱۳۹۷)، نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس، دوره ۲، شماره ۱۴، صص ۱۵۴-۱۹۱.
۶. انصاریان، حسین (۱۳۸۸)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: آیین دانش.
۷. بابازاده، عسگر و همکاران (۱۳۹۸)، تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی بر اساس مدل کارمن گارسس، مطالعه موردی ترجمه های حداد عادل، معزی و انصاریان جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم، مجله پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۹، شماره ۲۱، صص ۲۷۹-۳۰۶.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲ق)، الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ و سننه وأیامه، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت: دارطوق النجاة.
۹. بدخشان، ابراهیم، سجاد موسوی (۱۳۹۳) بررسی زبان شناختی به گویی در زبان فارسی، دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
۱۰. بیاتی، لیلیا (۱۳۸۹)، بررسی ساختاری حسن تعبیر در فارسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴)، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات جاوید.
۱۲. تجلی، غفار (۱۳۶۹)، ارزش کاربردی اصول و مبانی ترجمه، ترجمه و اقتباس از ویلن کومیساروف، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲، صص ۳۲-۵۱.
۱۳. جرجانی، علی الزین الشریف (۱۹۸۳)، کتاب التعریفات، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۴. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۰)، ترجمه نهج البلاغه، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۵. حایک، سمیر (۱۹۹۹)، ترجمات القرآن الکریم إلى لغات الشعوب والجماعات الإسلامیة، تحریر محمد الأرنؤوط، بیروت: جامعة آل البيت (ع).  
 ۱۶. حقانی، نادر (۱۳۸۶)، نظرها و نظریه های ترجمه، تهران: امیرکبیر.  
 ۱۷. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، ترجمه نهج البلاغه، قم: مشهور.  
 ۱۸. دهخدا، علی اکبر (بی تا)، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات سیروس.  
 ۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن، تهران: مرتضوی.

۲۰. رحیمی خویگانی، محمد (۱۳۹۶)، نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم با تکیه بر سطح معنایی لغوی گارسس، مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۷، صص ۶۹-۹۴.
۲۱. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۰)، ترجمه نهج البلاغه، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. طهماسبی، عدنان علاء نقی زاده (۱۳۹۶)، ورشة التعرّیب، تهران: انتشارات سمت.
۲۴. فرهادی، پروین (۱۳۹۲)، بررسی نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه موردی: نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات)، تهران: انتشارات سمت.
۲۵. فسنگری، حجت الله و راضیه کارآمد (۱۳۹۵)، سبک شناسی لایه واژگانی دعای ابوحمزه ثمالی، مجله سراج منیر، شماره ۲۵، صص ۵۳-۷۲.
۲۶. فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی (۱۳۶۵)، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: چاپخانه سپهر.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۰ق)، الکافی، قم: دارالمعارف.
۲۸. متقی زاده، علی و سید علاء نقی زاده (۱۳۹۶)، «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)»، تهران، پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۷، صص ۲۱-۴۰.
۲۹. مصطفی، ابراهیم، محمد (۱۳۸۷)، معجم الوسیط، قم: مؤسسه فرهنگی تبیان.
۳۰. معروف، یحیی (۱۳۹۷)، فن ترجمه: اصول نظری و عملی ترجمه از عربی به فارسی و از فارسی به عربی، تهران: انتشارات سمت.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. \_\_\_\_\_، (۱۳۹۸)، نهج البلاغه با ترجمه فارسی آیه الله مکارم شیرازی، قم: انتشارات علی بن ابی طالب (ع).  
 ابی طالب (ع).
۳۳. نورآبادی، قاسم (۱۳۹۰)، تحلیل زبانشناختی فرایند حسن تعبیر فارسی و جایگاه آن در مواد آموزشی زبان فارسی برای غیر فارسی زبانان، پایان نامه کارشناسی کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان.
۳۴. نیازی، شهریاری و انسیه سادات هاشمی (۱۳۹۸)، بررسی میزان کارآمدی سطح نحوی\_واژه ساختی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه قرآن «مطالعه موردی ترجمه مکارم شیرازی از ۵ سوره قرآن کریم، مجله پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۹، شماره ۲۱، صص ۹۵-۱۲۸.
35. Garcés, Carmen Valero (1994), "A methodological proposal for the assessment of ranslated literary works: A case study". *The Scarlet Letter*
36. Ilyas, A. (1998), "Old and Contemporary Translations of the Holy Quran", *Translation of the Holy Qur'an, Proceedings of the International*
37. Newmark, Peter, (1989), *A textbook of translation*. New York: Prentice-Hall